

# تجربه‌های مدرسه‌های ایرانی در مواجهه با کرونا



دکتر محمود امانی طهرانی

دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش



اطلاعاتی سامانه بود که ارتباط بین دانش‌آموزان با مدرسه، با یکدیگر، با معلمان از طریق رایانامه و نیز مشاهده اطلاعیه‌ها و برنامه‌های زمانی را فراهم می‌کرد. در بعضی مدرسه‌ها، در کنار سامانه فوق، از یک پیام‌رسان یا به عبارت دیگر، یکی از شبکه‌های اجتماعی داخلی، تنها برای ارسال اعلان‌های به‌روزرسانی، استفاده می‌شد. در گروه دوم، که شامل اکثریت مدرسه‌های کشور می‌شد، معلمان و دانش‌آموزان در ابتدای کار با ابهام و سردرگمی بیشتری مواجه شدند. در روزهای اول فکر می‌کردند با تعطیلی چند روزه و گذرایی مواجهند که فرصتی است برای استراحت و نیاز به اقدام خاصی ندارد. اما پس از چند روز، همه دریافتند که موضوع جدی است و به دلیل دلسوزی برای رشد و پیشرفت دانش‌آموزان و نیز به منظور دفاع از حیثیت حرفه‌ای خود، باید کاری کنند. چنین بود که اقدامات متنوعی در سطح مدرسه‌های کشور انجام شد. جمع‌بندی و پیش‌بینی آینده به نظر می‌رسد، در بازگشایی مدرسه‌ها پس از کرونا، با نوع جدیدی از مدرسه‌های ترکیبی، که حاصل تلفیق مدرسه‌های حضوری و مدرسه‌های غیرحضوری هستند، روبه‌رو خواهیم بود. این فضا به‌طور هم‌زمان به آموزش دانش‌آموزان و والدین آن‌ها توجه خواهد داشت. این مدرسه‌ها نقاط قوت هر دو رویکرد را با هم جمع می‌کنند و نقاط ضعف هر یک را می‌پوشانند.

معلمان در فضای جدید از شایستگی تدریس بهره‌مند خواهند بود (معلمان حرفه‌ای پسا کرونا) که توانایی کار در این فضای ترکیبی را داشته باشند. این معلمان نیازمند کسب دو نوع شایستگی و توانمندی هستند: آموزش پداگوژی؛ آموزش فناوری؛ یعنی کار با نرم‌افزارهای موردنیاز. بستر فنی آموزش‌های غیرحضوری بر پایه وب و رایانه است، اما به‌طور هم‌زمان قابلیت دنبال کردن با تبلت یا گوشی همراه، با استفاده از فناوری فضای ابری هم وجود خواهد داشت.

شاید هیچ رویدادی در چند دهه اخیر به اندازه کرونا بر نظام آموزشی جهان تأثیر عملی عمیق نگذاشته باشد. به‌طور قطع، مواجهه با کرونا یک شوک برای مدرسه‌ها بود. البته این شوک را می‌توان به تعبیر پیازه، عاملی برای بر هم زدن تعادل معلمان و مدرسه‌ها و تلاش آنان برای رسیدن به تعادلی جدید در نظر گرفت که پیمودن همین فاصله به‌منزله یادگیری است. همگی با مفاهیم جذب و هضم و تطابق و اصل رعایت تعادل عرصه‌های تازه پیازه آشنا هستیم. در مواجهه با این شوک، مدرسه‌ها و معلمان در دو گروه دسته‌بندی شدند: گروهی که از قبل زیرساخت‌های آموزش غیرحضوری را داشتند و از آن در کنار آموزش حضوری استفاده می‌کردند، و گروهی که این آمادگی را نداشتند. طبیعی است اکثر مدرسه‌های ایران در این دسته جای گرفتند.

مدرسه‌های گروه اول از قبل با استفاده از بسترهایی مانند مودل، یا روی پلتفرمی که خود طراحی و اجرا کرده بودند، سامانه‌ای را برای آموزش و ارزشیابی به کار گرفته بودند. این فضای آموزشی روی وب قرار داشت و با استفاده از رایانه کامل می‌شد. دانش‌آموزان با فضای این «LMS» آشنا بودند و بعضی از معلمان برای ارسال تکالیف آموزشی و دریافت نتایج، از آن استفاده می‌کردند. برنامه هفتگی مدرسه، برنامه تکالیف روزانه، و اطلاعیه‌ها و برنامه امتحانی هم از این طریق به اطلاع دانش‌آموزان می‌رسید.

در دوران کرونا و با تعطیل شدن مدرسه، این بستر تقویت شد و به‌عنوان سامانه اصلی ارتباط بین دانش‌آموزان و مدرسه مورد استفاده قرار گرفت. این سامانه مانند هر LMS دیگری سه بخش اصلی داشت: بخش ال‌اوها شامل تدریس‌های ضبط‌شده، تمرین‌ها و تکالیف، متن‌های آموزشی، قطعات ویدیویی و صوتی؛ بخش کلاس برخط؛ بخش آزمون. البته یک بخش دیگر را هم می‌توان بر این سه بخش افزود و آن، بخش ارتباطی و